



علامه طباطبایی معتقد بود برای تفسیر از هر منبعی جز قرآن مستغنی هستیم

رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه علامه طباطبایی پیرو مکتب استغنائی است، یعنی ایشان معتقد است...

رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه علامه طباطبایی پیرو مکتب استغنائی است، یعنی ایشان معتقد است برای تفسیر قرآن از هر منبعی جز قرآن مستغنی هستیم، گفت: علامه طباطبایی قائل بود که نباید از هیچ منبعی جز خود قرآن برای فهم قرآن استفاده کرد.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بهجت پور، رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت و گو با خبرنگار مهر در مورد جایگاه علامه طباطبایی گفت: مرحوم علامه طباطبایی بی تردید از جمله شخصیت‌هایی است که در عصر حاضر در میان دانشمندان عالم اسلامی و به خصوص در میان شیعه، جزو احیاگران تفسیر قرآن هستند.

وی افزود: ایشان نگاه عمیقی به قرآن داشتند، علامه طباطبایی از عمق و نفوذ نگاه به مسائل برخوردار بودند و در عین حال معتقد به تفسیر قرآن براساس مراجعه به نص کتاب و آیات قرآن بودند. ایشان نگاه عمیق را در آیات به صورت مستقیم به کار بردند و از آن نگاه عمیق تفسیر المیزان بیرون آمد؛ تفسیری که نویسنده اش تلاش داشت که برای فهم قرآن جز به قرآن مراجعه نکند. علامه طباطبایی نشان داد از عمق نگاه برخوردار است و به خوبی می تواند این نگاه را در خدمت آیات قرآن قرار دهد و از این آیات مطالب بسیار عمیق و دارای ابعاد مختلف بیرون بیاورد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه تفسیر المیزان یک ویژگی اثباتی و چند ویژگی فنی دارد، گفت: ویژگی اثباتی المیزان این است که علامه طباطبایی در میان منابع تفسیر که به دو دسته منابع نقلی یا تفسیر به تراث یاد می شود و منابع عقلی، یعنی تفسیر با استفاده از منابعی مانند فلسفه، عرفان، کلام، حتی فقه، علوم تجربی، علوم اجتماعی و .. که عقل بشر آنها را تولید کرده است.

نویسنده کتاب «؛تحریف ناپذیری قرآن» با اشاره به اینکه علامه طباطبایی در بین منابعی که برای تفسیر می توانست در استخدام باشد و در اختیار قرار گیرد قائل بود که نباید از هیچ منبعی جز خود قرآن برای فهم قرآن استفاده کرد، تصریح کرد: یعنی ایشان نه تنها منابع عقلی را در امر تفسیر دخالت ندادند، بلکه منابع روایی و حتی سنت را در این کار دخالت ندادند. بر این اساس علامه سعی خود را بر این قرار داد که تفسیری را ارائه دهد که فقط به واسطه آیات قرآن پرده از روی ابهامات آن برداشته و مقاصدش کشف شود. این جنبه اثباتی کار علامه جنبه بسیار مهمی است؛ چرا که در روایات ما وارد شده است که «؛ان القرآن یفسر بعضه بعضا».

بهجت پور در ادامه سخنانش با بیان اینکه علامه طباطبایی معتقد است برای پرده برداری از قرآن نیازی به منبع دیگر وجود ندارد، گفت: این نگاه علامه البته نگاه بسیار مهمی بود که سعی کردند در فضای تفسیر مطرح کنند. این جنبه اثباتی، چند جنبه سلبی را به دنبال خود داشت. ایشان معتقد بودند برای تفسیر نباید حتی سراغ کلام پیامبر اکرم(ص) و معصومان(ع) و یا سراغ انصار و مهاجرین و حتی منابع عقلی و دانش بشر رفت.

این محقق و کارشناس در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه علامه طباطبایی می فرمودند در فهم قرآن لایه های مختلفی از فهم داریم، یک لایه فهم قرآن تفسیر است، بیان کرد: تفسیر یعنی ابهاماتی که در الفاظ قرآن هست را کنار بگذاریم و مقاصد و منظور آیات را بیان کنیم، اما لایه های دیگری از فهم وجود دارد اینکه قرآن را در شرایط مختلف به صحنه بیاوریم و نسبت به اشخاص و افراد و گروه های مختلف تطبیق داده شود. در این زمینه ها علامه در بحثهای روایی که جدا از تفسیر در المیزان کرده بودند فراوان فرموده بودند این روایات از بابت «؛جری و تطبیقی» است.

وی با بیان اینکه علامه با جری و تعدیلی که اهل بیت(ع) فرمودند مشکلی نداشتند، بیان کرد: بلکه ایشان از نخستین شخصیت‌هایی بودند که این ظرفیت را در روایات اهل بیت(ع) توضیح دادند. ایشان فرمودند آیات قرآن از نظر وسعت ظرفیتی دارد که می تواند در هر زمان افراد، گروه ها و جوامع جدید تطبیق شود و این در لسان روایات ما به عنوان جری و تطبیق یاد شده است و ائمه اطهار(ع) بخش زیادی از توضیحاتشان در حوزه جری و تطبیق است. یا مثلا علامه طباطبایی در زمینه تبیین قرآن نظریه ای دارند که نظریه مهمی است.

نویسنده کتاب «درآمدی بر اصول تحول فرهنگی» در ادامه سخنانش با بیان اینکه علامه طباطبایی معتقد بود که برخی از آیات قرآن مجملاتی مطرح شده که تفصیل آن از جای دیگری در اختیار معصوم قرار گرفته است. به اصطلاح مثلا در قرآن آمده است که شما نماز بخوانید. اجزاء نماز، چگونگی آن، شرایط نماز که در قرآن نیامده است یا مثلا در حوزه معارف آمده که انسان برزخ دارد اما ویژگیهای برزخ و اتفاقاتی که در آن می افتد که در قرآن نیامده است. علامه طباطبایی می فرمودند اینها را باید حتما از معصوم بگیریم، یعنی توضیح این مسأله را باید از معصوم سؤال کنیم. بنابراین از نگاه علامه طباطبایی نه اینکه دانشی مثل دانش حدیث به درد فهم قرآن نمی خورد، نه! بلکه به درد می خورد و مفید است، اما نه برای تفسیر بلکه برای جری و تطبیق بلکه برای معانی بطنی بلکه برای تبیین قرآن که علامه به آنها مراجعه می کرد.

وی با بیان اینکه علامه طباطبایی دانشهایی مانند فلسفه، علوم تجربی و ... را منکر نیست که در خدمت فهم قرآن قرار بگیرند، گفت: علامه طباطبایی می فرمایند: اگرچه این علوم در خدمت تفسیر قرار نمی گیرند، اما ممکن است یک مطلب علمی بر آیه ای از آیات قرآن تطبیق شود، البته علامه می فرماید در این مواقع قدری باید محتاط بود. گاهی نظرات کلامی بر قرآن تطبیق می شود علامه می فرمایند که باید مراقب بود. علامه اگر این مطالب را داخل در حوزه تفسیر می کنند نه به خاطر این است که مثلا فلسفه، عرفان، کلام اسلامی یا دانش فقه را ناقص می دانند، بلکه می فرمایند در حوزه تفسیر اصولا نیازی به این منابع نیست برخلاف اهالی مکتب تفکیکی.

نویسنده کتاب «همگام با وحی: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)» با اشاره به اینکه اگر تفکیکی ها معتقد باشند که قرآن به دانش هایی برای فهم نیازمند هستند، معتقدند علوم عقلی به درد این کار نمی خورد، اما مکتب تفکیکی ها به سراغ روایات و حدیث می روند، اما علامه می فرمایند ما به سمت هیچ کدام نمی رویم، اما این دلیل نمی توان او را مکتب تفکیکی بدانیم چنانچه برخی چنین ادعایی کردند، علامه پیرو مکتب استغنائی است، یعنی ایشان معتقد است برای تفسیر قرآن از هر منبعی جز قرآن مستغنی هستیم.

وی در مورد جایگاه علامه طباطبایی در علوم قرآن بیان کرد: علامه طباطبایی مستقیما و به شکل تجمیع یافته مباحث علوم قرآن را مطرح نفرمودند، اصلا ایشان در صدد طرح جامع مباحث علوم قرآنی نبودند، لذا حتی مقدمه تفسیر المیزان مقدمه کوچکی است یا در کتاب «قرآن در اسلام» به برخی از مسائل قرآن پرداختند، اما علامه طباطبایی در عین حالی که به عنوان یکی از دانشمندان مطرح علوم قرآن مستقیما وارد نشد، مثل کاری که در میان معاصرین آیت الله معرفت وارد شدند و «التمهید» را در 10 جلد چاپ کردند، کتابی با این ویژگیها و خصوصیات ندارد، اما در جای جای مباحث تفسیریشان هر جایی که مناسبتی وجود داشت مباحث علوم قرآنی را مطرح کردند، لذا دانشمندی مثل آیت الله معرفت در مباحث مختلف علوم قرآنی به دیدگاه های علامه توجه کردند و از این دیدگاه ها استفاده کردند. بنابراین علامه طباطبایی اصولا تفسیر نوشت اما به مناسبت تفسیر در شئون مختلف از موضوعات مختلف از جمله موضوعات علوم قرآنی وارد شد که مورد بهره برداری دیگران قرار گرفت.